

باسمه تعالی				مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه	
امتحانات ارتقایی – مرداد ۱۳۹۶				معاونت آموزش	
موضوع:				امتحانات کتبی	
اصول ۱		پایه:		۴	
تاریخ:		ساعت:		۱۰:۳۰	
۹۶/۰۵/۲۱					
نام کتاب: الموبیز، از ابتداء تا المقصد الفامس					
لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)					

تستی

۱. به نظر مصنف، صحت حمل معنا بر لفظ به حمل اولی
 ا. به معنای وضع لفظ برای آن معناست ■
 ب. کاشف از صرف صحت استعمال است نه وضع □
 ج. دلالت بر اتحاد مصداقی موضوع و محمول دارد □
 د. وحدت مفهومی آن دو را اثبات نمی کند □
۲. الظاهر أن مادة الأمر
 ا. لا يعتبر في صدقها إلّا علو الأمر □
 ب. لا يعتبر في صدقها إلّا الاستعلاء □
 ج. يعتبر في صدقها علو الأمر و استعلاؤه ■
 د. يعتبر في صدقها أحد الأمرين من العلو و الاستعلاء □
۳. إذا فات الواجب الوقت في ظرفه فمقتضى القاعدة أن دليله
 ا. يدل على وجوب قضائه مطلقاً □
 ب. لا يدل على وجوب قضائه مطلقاً ■
 ج. يدل على وجوب قضائه إن كان الواجب الفائق موسعاً □
 د. يدل على وجوب قضائه إن كان الواجب الفائق مضيقاً □
۴. ما يتوقف عليه صدق الكلام أو صحته عقلاً أو شرعاً فهو مدلول الكلام بدلالة
 ا. التنبيه □
 ب. الاقتضاء ■
 ج. الإشارة □
 د. التضمن □

تشریحی

۱. مقصود از «وضع الفاظ عبادات برای صحیح» چیست؟ ب. استدلال اعمی ها و نقد آن را بیان کنید. ۲۵
۱. مقصود این است که الفاظ عبادات وضع شده اند برای عبادتی که اجزاء آن تام و شرایط آن کامل است.
۲. استدلال: از آنجا که عبادت مثل نماز به صحیح و فاسد تقسیم می شود معلوم می شود موضوع له عبادت معنای عام است (نه خصوص تام الأجزاء و شرایط) و گرنه قابل انقسام به فاسد نمی شد.
- نقد: نهایت دلالت تقسیم بر استعمال عبادت در دو قسم صحیح و فاسد است و استعمال اعم از حقیقت است یعنی عبادت برای تام الأجزاء و الشرائط وضع شده و در غیر آن مجازاً به کار می رود.
- * وقع الكلام في أن المكلف إذا امتثل المأموره بالاضطرار في حال الاضطراب على الوجه المطلوب فهل يسقط الأمر الواقعي الأولي أو لا يسقط؟ و الدليل على الإجزاء أن المتكلم إذا كان في مقام بيان ما يجب على المكلف عند الاضطراب و لم يذكر إلّا الإتيان بالفرد بالاضطرار من دون إشارة إلى إعادته أو قضائه بعد رفع العذر فظاهر ذلك هو الاجزاء. ۴۲
۲. ا. برای «امر واقعی اولی» و «امر واقعی ثانوی» مثال بزنید. ب. سقوط امر اولی و دلیل آن را توضیح دهید.
- ا. امر واقعی اولی: امر به نماز با طهارت مائیه ب. ثانوی: امر به نماز با طهارت تراپیه.
- ب. ۱. سقوط به این معناست که مثلاً اگر مکلف بعد از اقامه نماز با طهارت تراپی، تمکن از آب پیدا کرد دیگر واجب نیست نماز را اعاده یا قضا کند. ۲. متکلم در زمان إصدار امر واقعی ثانوی در مقام بیان وظیفه مکلف در حین اضطراب بود و در بیان خود غیر از اتیان فرد اضطرابی، حرفی در مورد اعاده یا قضا نزده و این کاشف از کفایت عمل اتیان شده توسط مضطر است و دیگر اعاده یا قضا بعد از رفع عذر واجب نیست.

* إذا أمر الوالد ولده الأكبر بأن يأمر ولده الأصغر ببيع متاعه فنسى الوسطة إبلاغ أمر الوالد و اطلع الأصغر من طريق آخر على أمر الوالد فباع المبيع.

۳. در فرض مذکور، ببيع ولد اصغر چه حکمی دارد؟ توضیح دهید. ۶۱

اگر مبنایمان این باشد که امر به امر به فعل در حکم امر مستقیم به آن فعل است در این صورت ببيع ولد اصغر صحیح بوده و لازم خواهد بود ولی اگر آن را در حکم امر مستقیم به فعل مزبور ندانیم ببيع مذکور فضولی و غیر لازم خواهد بود.

۴. چرا نهی در عبادت، مقتضی فساد است؟ ۷۱

هر کدام از دو جواب نوشته شود صحیح است: ۱. چون صحت عبادت به معنای مطابقت مأتی^۱ به با مأمور^۲ است و در فرض تعلّق نهی به عبادت، دیگر به آن عبادت امر تعلّق نمی‌گیرد (چرا که مستلزم اجتماع امر و نهی در متعلق واحد است). بنابراین دیگر مطابقت مأتی^۱ به با مأمور^۲ احراز نمی‌شود تا صحت تأمین شود ۲. چون نهی، دالّ بر مبعوضیت منهی^۳ عنه است و تقرب با منهی^۳ عنه و شیء مبعوض امکان ندارد.

* إذا تعدّد السبب و اتّحد الجزاء فالمتبادر عرفاً هو عدم التداخل. ۸۹

۵. برای فرض مذکور مثالی زده، مقصود از عدم تداخل و دلیل آن را شرح دهید.

مثال: إذا بُلّت فتوضاً - إذا نُمت فتوضاً. مقصود از عدم تداخل: این است که دو سبب موجود در دو قضیه فوق مقتضی دو وجوب هستند. دلیل: تبادر؛ توضیح: آنچه از دو قضیه شرطیه به ذهن تبادر می‌کند این است که هر یک از دو سبب، به طور مستقل علت حدوث جزاء (وجوب وضوء) است یعنی چه سبب دیگر باشد و چه نباشد مقتضی تأثیر است.

۶. در آیه شریفه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» آیا کلمات «السَّارِقُ» و «السَّارِقَةُ» مفهوم دارند؟ دلیل آن را توضیح دهید. ۱۰۱

خیر؛ چون «سارق» و «سارقه» اصطلاحاً لقب هستند و القاب مفهوم ندارند به این معنا که دلالت کند بر نفی حکم مذکور در کلام از غیر مشمول اسم (لقب).

* إذا ورد النصّ بحرمّة الربا ثمّ علمنا بخروج الربا بين الوالد و الولد عن تحت العموم و شككنا في خروج سائر الأقربين كالأخ فهل العامّ (حرمة الربا) حجة في المشكوك أو لا؟ و المختار حجّيته ... ۱۰۹

۷. أ. وجه حجّیت عام مخصّص در باقی افراد چیست؟

چون عام مخصّص گرچه از نظر اراده استعمالی در معنای حقیقی خود به کار رفته و تا دلیل خاص نیامده باشد اصل تطابق اراده استعمالی با اراده جدیه است. بنابراین در غیر فرد تخصیص یافته، عام محکم است و لذا أصالة العموم جاری خواهد بود.

۸. صحت تخصیص، بعد از زمان عمل به عام است یا قبل از آن؟ توضیح دهید. ۱۱۷

اگر تخصیص از قبیل تخصیص در افراد باشد لازم است قبل از عمل به عام صادر شود وگرنه اگر بعد از عمل به عام صادر شود لازم می‌آید تأخیر بیان از وقت حاجت که بر حکیم قبیح است لکن اگر تخصیص از قبیل تخصیص ازمانی (= نسخ) باشد لازم است بعد از عمل به عام باشد.

۹. آیا صیغه و ماده نهی، دلالت بر تکرار (دوام) دارد؟ چرا؟ ۶۵-۶

از نظر وضعی خیر ولی از نظر عقلی بله. توضیح: از نظر وضعی، هیئت صیغه نهی تنها برای زجر وضع شده و ماده آن تنها برای طبیعت و ماهیت خالی وضع شده است بنابراین نه در هیئت و نه در ماده صیغه نهی ردّ پایی از تکرار وجود ندارد لکن از نظر عقلی از آنجا که مطلوب به صیغه نهی، ترک طبیعت است و ترک وقتی محقق می‌شود که همه افراد و مصادیق طبیعت ترک شود قهراً امتثال نهی با دوام و تکرار همراه خواهد بود تا مرخصی بیاید.